



هشام بن عبدالملک در طواف خانه کعبه در مراسم حج را ذکر کرده است که هشام با اینکه خلیفه بود ملاحظه کرد که در هنگام طواف کسی به او توجه ندارد و حال آنکه مردم به یکنفر بیش از اندازه احترام می‌کنند برای او راه باز می‌کنند که راحت طواف کند و به حجر الاسود نزدیک شود. با اینکه شاید می‌دانست که آن فرد که مورد توجه و احترام مردم است مسلماً امام زین العابدین علیه السلام است، تجاهر کرد و پرسید: «این کیست که مردم آنقدر به او احترام می‌کنند؟»

در این وقت فرزندق شاعر معروف عرب که در مراسم حج حضور داشت آن شعر معروف خود را انشاء کرد و در حضور طواف‌کنندگان رو به سوی ابن عبدالملک کرد و اشعار خود را قرائت کرد که در این مقدمه چند خط از آن آمده است.

### چند بیت از اشعار فرزندق در معرفی علی بن الحسین زین العابدین

«این شخص را نمی‌شناسی او کسی است که همه کس او را می‌شناسد بر هر جا که قدم بگذارد آن زمین او را می‌شناسد. زمین و زمان، مکه و حرم او را می‌شناسد او بهترین پرستندگان و اسباب افتخار پرستندگان خداوند است او فرزند بهترین خلق خدا است اسم او علی فرزند حسین است که پیغمبر اسلام جد او است او فرزند فاطمه دختر رسول خداست اگر شما او را نمی‌شناسید خداوند تبارک و تعالی او را می‌شناسد همه فضایل از این مرد است زیرا دین مبین اسلام از طریق خاندان او به مردم رسیده است». آقای حسینی سپس در مقدمه اضافه می‌کند «آری این علی بن الحسین زین العابدین بود که جوهر اسلام را از طریق ادعیه خود به مسلمانان آموخت او در دعاهای خود بسیاری از مسائل را که مردم زمان خود و مردمان در زمانها بعد با آن روبرو می‌شوند بیان کرده است. پس نویسنده مقدمه می‌گوید که نمی‌خواهد در عظمت و حقیقت

ادعیه صحبت کند و نمی‌خواهد وارد جزئیات شود حتی نمی‌خواهد کلمه‌ای از سلاست و بلاغت و نکات ادبی بکار برده شده در صحیفه سخن به میان آورد چه بعضی از آنها را مترجم صحیفه سجاده به انگلیسی، یعنی آقای دکتر ویلیام چی نیک، در دیباچه کتاب تا اندازه‌ای مورد بحث قرار داده است. اما من می‌خواستم فقط کلمه‌ای در معنویت و روحانیت این دعاها بگویم. به آنها که در این دوره و زمان چه در شرق و چه در غرب این دین را از اجداد خود به ارث برده‌اند می‌خواستم بگویم که مؤلف و نویسنده صحیفه سجاده به مثل اینکه با همه مشکلات اقتصادی دودهای جسمی و روحی مردم در همه زمانها هم در زمان خودش و همه در این زمان آشنائی داشته. آیا می‌شود گفت که این ادعیه در قرن هفتم میلادی گفته شده آیا انشاء کنند آنها عالم به همه مسائل ملیتی به این زمان بوده است؟

و آیا او از دردها اندوها و ناملایمات و مسائل آنها که هنوز به دنیا نیامده‌اند نیز مطلع بوده است او مثل اینکه با همه روحیات معنویات و مسائل تمدن همه زمانها آشنائی داشته است در آخر مقدمه توصیه شده است که صحیفه کامله سجاده باید خوانده شود و در چند سطر آخر از مشکلات ترجمه لغات عربی صحیفه به زبان انگلیسی نام برده و زحمات مترجم کتاب را به انگلیسی و کوششهای آنها که در چاپ کتاب همکاری کرده‌اند را مورد تقدیر قرار داده است.

### دیباچه کتاب از مترجم صحیفه کامله سجاده

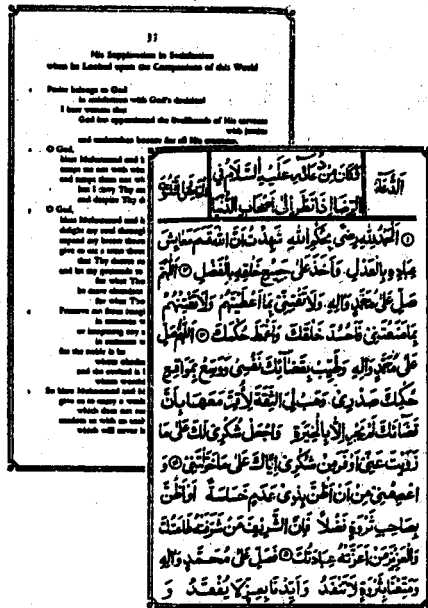
پس از پیشگفتار کتاب که به قلم یکی از دانشمندان پاکستانی به نام سید حسین جعفری در بالا ملاحظه شد، دیباچه کتاب را مترجم اصلی صحیفه سجاده از عربی به انگلیسی در تعریف کتاب و تاریخچه‌ای از زندگی امام سجاد و چگونگی تعلیم و املاء صحیفه به حضرت امام محمد باقر علیه السلام امام پنجم و

برادر ناتنی او زید بن علی ابن الحسین و بالاخره چگونگی و اگذاری صحیفه از طرف زید به فرزندش یحیی و اگذاری یحیی به متوکل بن هارون و تقدیم صحیفه از طرف او به حضرت امام جعفر بن محمد الصادق امام ششم شیعیان و انطباق دو نسخه باهم را بیان کرده است.

### برداشتی از دیباچه کتاب:

در دیباچه می‌خوانیم که «صحیفه کامله سجاده» از قدیمی‌ترین معنوی‌ترین و ارزشمندترین ادعیه و مناجات و نیایشهایی است که در اسلام وجود دارد این کتاب را علی بن الحسین (ع) مشهور به زین العابدین «نتیجه‌ی» رسول اکرم صلی اله علیه وسلم به فرزندانش امام محمد باقر امام پنجم و برادر او زید املاء فرمود و سفارش کرد که از دستبرد حوادث آنرا محفوظ نگاه دارند. حضرت علی بن الحسین از اولین پرورش یافتگان مکتب تشیع است که پس از پدرش حضرت ابابعدالله الحسین و حضرت امام حسن مجتبی و جدش علی بن ابیطالب چهارمین امام شیعیان می‌باشد و کتاب او «صحیفه کامله سجاده» پس از قرآن مجید و نهج البلاغه ارزشمندترین و مقدس‌ترین کتاب است که بویژه از نظر ادبیات عرب مقام والاّی دارد. علاوه بر اینها در دیباچه کتاب مختصری از نکات برجسته‌ی زندگانی علی ابن الحسین علیه السلام را بیان کرده و از جمله اینکه یکی از القاب ایشان «ابن الخیرتین» است یعنی فرزند «دو بهترین» و توضیح داده شده است که نسب امام از یک سو به رسول اکرم و خاندان قریش و از سوی دیگر از طرف مادرش به سلسله ساسانیان که از سلاطین ایران است می‌رسد که در نتیجه فرزند دو بهترین خانواده است و در ضمن آن داستان اسارت شهربانو دختر یزدگرد سوم پادشاه ساسانی و آوردن او به مدینه در زمان خلافت عمر و اینکه عمر می‌خواست او را بفروشد ولی علی بن ابیطالب پیشنهاد کرد که بجای

اینکه فروخته شود او اجازه داشته باشد تا از میان مردان عرب شوهری برگزیند و جهیزیه او هم از بیت المال پرداخت شود عمر موافقت کرد و شهربانو از میان همه بزرگان عرب فرزند علی بن ابیطالب حسین را انتخاب کرد و ثمره این ازدواج مبارک علی ابن الحسین امام چهارم شیعیان است و گفته شده است که کمی پس از تولد او مادرش نیز برحمت خدا رفت نویسنده پس از آن از ماجرای غم انگیز کربلا و کشته شدن امام حسین (ع) و اسارت خاندان او و من جمله علی ابن الحسین زین العابدین و بازگشت دردآور خاندان عصمت و طهارت به مدینه یاد کرده و نوشته است که امام چهارم لحظه‌ای از گریه و اندوه فارغ نبود و در پاسخ یکی از خدمتکاران که پرسیده بود «ای فرزند رسول خدا آیا وقت آن نرسیده است که اندوه شما پایان پذیرد؟ امام علیه السلام در پاسخ می فرماید. «وای بر تو، حضرت یعقوب پیغمبر دوازده پسر داشت و خداوند یکی از فرزندان را از دید او پنهان کرده بود با اینکه می دانست که فرزندش زنده است آنقدر گریست که چشمانش سفید و موهای سرش خاکستری و پشت اش خمیده گشت اما من در کربلا به چشم خود دیدم که پدرم برادرانم عمویم و هفده نفر از اعضاء خانواده ام در کنارم کشته شدند. چگونه غم و اندوه من می تواند پایان یابد؟ باز در دیباچه مترجم می خوانیم که «حضرت زین العابدین تا پایان زندگی در مدینه بسر برد و سراسر عمر شریف را به تعلیم و تعلم و عبادت گذرانید او پانزده فرزند داشت ۱۱ پسر و چهار دختر فرزند بزرگ او امام محمدباقر امام پنجم شیعیان بود که مثل پدر در اشاعه دانش و دین بیشتر از سیاست می کوشید ولی برادر ناتنی او زین العابدین علی که حلیف العزان لقب داشت معتقد بود که باید در مبارزه با بنی امیه از شمشیر استفاده کرد زید در مذهب فرقه‌ای که امامت را به قیام و شمشیر مشروط می دانند امام پنجم است و طایفه زیدیه او را جانشین پدر پنداشته اند و حال اینکه زید



الحسین و پس از آن به متوکل دستور داد با نسخه‌ای دیگر که امام محمدباقر آنرا نوشته بود و امام صادق آنرا نزد خود داشت و به فرزندش اسمعیل سپرده بود تطبیق دهد. متوکل گفته است آن دو را با هم مقابله کرده حتی یک حرف هم با یکدیگر اختلاف نداشتند پس متوکل از امام اجازه خواست تا طبق وصیت یحیی صحیفه را به محمد و ابراهیم پسران عبدالله حسن برساند که امام صادق دستور دادند محمد و ابراهیم به حضورش احضار شدند و فرمود این میراث پسرعموی شما یحیی است آنرا از مدینه بیرون نبرید که بدست دشمن نیفتد. چون شما هم مثل زید و یحیی قیام خواهید کرد و کشته خواهید شد پس از آن رویای رسول اکرم را بیان فرمود که جبرئیل آن را تعبیر فرمود که تا هزار ماه آنها که علیه بنی امیه قیام کنند کشته خواهند شد. متوکل بن هارون می گوید پس از این ماجرا امام صادق علیه السلام صحیفه کامله سجادیه را که به من القاء فرمود هفتاد و پنج باب بود من شصت و چند از آن را حفظ کردم و یازده بابش از خاطرم رفت.

شخصاً برادرش امام محمدباقر (ع) را امام خود می دانست. زید قیام کرد و در مقابله با هشام بن عبدالملک کشته شد فرزند او هم یحیی راه پدر را دنبال کرد از کوفه به مدائن و از آنجا به ری بعد به نیشابور رفت. یحیی بن زید در راه خراسان با متوکل بن هارون بلخی روبرو شد و از او شنید که امام صادق علیه السلام از شهادت او خیر داده سخت نگران شد و میراث گرانیهای را که در نزد خود داشت یعنی «صحیفه کامله سجادیه» را به متوکل سپرد تا به عمودزادگانش - محمد و ابراهیم برساند و یحیی از نیشابور به سرخس و سپس به گرگان مراجعت کرد و در آنجا با نصر بن سیار سرکرده لشکریان ولید بن یزید بن عبدالملک نبرد کرد و شهید شد. متوکل بن هارون پس از شهادت یحیی به مدینه برگشت و بزیارت حضرت صادق علیه السلام امام ششم رسید و ماجرای یحیی و شهادت او و سپردن صحیفه کامله سجادیه، به عرض امام رسانید امام بر شهادت یحیی بن زید گریست و پس از طلب مغفرت برای او قسم خورد که نگران صحیفه بوده است که بدست دشمنان خاندان عصمت نیفتد. پس متوکل بن هارون بلخی صحیفه کامله سجادیه را به امام صادق علیه السلام تقدیم کرد امام آنرا گشود و فرمود بخدا قسم این خط عموی من زید است و این دعای جدم علی بن

### فهرست بابهای ادعیه صحیفه کامله سجادیه

- باب اول - در حمدوثنای پروردگار عزوجل.
- باب دوم - درود و تحیات بر محمد (ص) و آل اطهارش
- باب سوم - درود و صلواہ بر حمله عرش الہی
- باب چهارم - درود و تحیت بر آنها که به رسولان و فرشتگان خدا ایمان آوردند و از آنان پیروی کردند و اینک دعاہای آن حضرت:
- باب پنجم - برای خود و شیعیان و محبان
- باب ششم - بهنگام بامداد و شامگاه
- باب هفتم - برای رهایی از مہمات و

هشتم = در پناه جستن به درگاه پروردگار  
 از امور مکروه و ناپسند و اخلاق بد و اعمال  
 زشت  
 نهم = در اشتیاقی به درخواست مغفرت از  
 خدای عز و جل  
 دهم = در پناه بردن به خدای متعال  
 یازدهم = برای عاقبت به خیری  
 دوازدهم = در اعتراف به گناه و طلب توبه  
 بدرگاه خداوند  
 سیزدهم = در طلب حوائج از درگاه خداوند  
 چهاردهم = در رویارویی با ستمکاران  
 هرگاه کسی به او ظلم و ستم می کرد یا از  
 ستمکاران عملی زشت که دوست نمی داشت  
 می دید  
 پانزدهم = بهنگام بیماری یا اینکه غم و  
 اندوه بلیه ای به آن حضرت وارد می شد  
 شانزدهم = در طلب آمرزش با تضرع و  
 زاری  
 هفدهم = در رفع شر شیطان - که هرگاه  
 متذکر شیطان می شد پس از مکر و گید و  
 عداوتش به خداوند پناه می برد  
 هجدهم = هرگاه در ایشان چیزی برطرف  
 می شد که موجب حذر و خطر بود یا اینکه  
 مطلبش بزودی روا می شد.  
 نوزدهم = در طلب باران  
 بیستم = در مکارم اخلاق و افعال  
 بیست و یکم = هنگام اندوهگینی و هم و غم  
 بیست و دوم = بهنگام گرفتاری و سختی و  
 مشقت  
 بیست و سوم = به خاطر طلب عافیت از  
 خداوند و شکرگذاری  
 بیست و چهارم = در حق پدر و مادر  
 بیست و پنجم = برای فرزندان  
 بیست و ششم = برای همسایگان  
 بیست و هفتم = برای مرزداران  
 بیست و هشتم = در تضرع و زاری بدرگاه  
 خداوند

بیست و نهم = در تنگدستی  
 سیام = استدعای اداء دین  
 سی و یکم = در توبه  
 سی و دوم = بعد از نماز شب  
 سی و سوم = در استخاره و طلب خیر از  
 خداوند  
 سی و چهارم = هنگام گرفتاری یا کسی را  
 گرفتار به فضیحت گناه می دید  
 سی و پنجم = در رضا و خوشنودی از قضاء  
 و قدر الهی  
 سی و ششم = هنگام شنیدن تهنیت رعد و  
 لهب برق  
 سی و هفتم = در سپاسگزاری هنگام  
 اعتراف به تقصیر از ادای شکر  
 سی و هشتم = در معذرت خواهی و رهایی  
 از آتش قهر حق  
 سی و نهم = در طلب عفو و رحمت خداوند  
 چهلم = هنگام یادآوری از مرگ  
 چهلم و یکم = در طلب پرده پوشی و  
 محافظت خواستن از خداوند  
 چهلم و دوم = در ختم قرآن  
 چهلم و سوم = هنگام رویت هلال  
 چهلم و چهارم = در استقبال از ماه مبارک  
 رمضان  
 چهلم و پنجم = در وداع از ماه مبارک  
 رمضان  
 چهلم و ششم = در عید فطر و جمعه  
 چهلم و هفتم = در روز عرفه  
 چهلم و هشتم = در روز عید قربان  
 چهلم و نهم = در رفع کید و مکر دشمنان  
 پنجاهم = در مقام خوف خدا و ترک ماسوا  
 پنجاه و یکم = در تضرع و زاری بدرگاه  
 خداوند  
 پنجاه و دوم = در الحاح و اصرار و مبالغه  
 در حاجت از درگاه خداوند  
 پنجاه و سوم = در مقام تذلل و خضوع به  
 درگاه خداوند  
 پنجاه و چهارم = بهنگام رفع غم و غصه و

برطرف شدن اندوه  
 در بعضی از نسخ صحیفه کامله سجاده  
 ادعیه زیر نیز ملاحظه شده است  
 پنجاه و پنجم = تسبیح امام زین العابدین  
 علیه السلام  
 پنجاه و ششم = دعا و تمجید او  
 پنجاه و هفتم = در ذکر ال محمد صلی اله  
 علیه واله وسلم  
 پنجاه و هشتم = دعا در نماز بر حضرت آدم  
 پنجاه و نهم = در ناراحتیها و رهایی از هم  
 و غم  
 شصت ام = در رفع ترس و خوف  
 شصت و یکم = در سرزنش خود  
 ادعیه روزهای هفته  
 شصت و دوم = روز یکشنبه  
 شصت و سوم = روز دوشنبه  
 شصت و چهارم = روز سهشنبه  
 شصت و پنجم = روز چهارشنبه  
 شصت و ششم = روز پنجشنبه  
 شصت و هفتم = روز جمعه  
 شصت و هشتم = شنبه  
 مناجات پانزده گانه  
 شصت و نهم = مناجات توبه کنندگان  
 هفتادم = مناجات شکایت کنندگان  
 هفتاد و یکم = مناجات ترسندگان  
 هفتاد و دوم = مناجات امیدواران  
 هفتاد و سوم = مناجات علاقه مندان  
 هفتاد و چهارم = مناجات سپاسگزاران  
 هفتاد و پنجم = مناجات مطیعان  
 هفتاد و ششم = مناجات خواستاران  
 هفتاد و هفتم = مناجات دوستداران  
 هفتاد و هشتم = مناجات متوسلین  
 هفتاد و نهم = مناجات مستمندان  
 هشتادم = مناجات خداشناسان  
 هشتاد و یکم = مناجات یاد حق کنندگان  
 هشتاد و دوم = مناجات چنگ زنان به حق  
 هشتاد و سوم = مناجات پارسایان